

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»

گوش کر

(از خاطرات گذشته)

به دل تا جلوه گر آن ماه نو شد
سر زلفش بدست غیر دیدم
ز خاک شهر کهنه چون برآیم
من از حسرت بخود صد پیچ خوردم
ز من گوئید آن کاکه جوان را
نداری پول یک پوچکه در جیب
جهان بیدار گشت و مردم ما
به چوکی تا مقرر گشت مامور
که یک دم خانه ویرانه او
ندادم یک دوسه مهمانی اش من
کجا قصاب از قیمت فروشی
فضای کابل از بس پر ز خاک است
به خال هندویش ، جانم گرو شد
جهان در چشم من یک باره شو شد
ترا منزل، بتا در شهرنو شد
سرگیسوی تو تا چپه تو شد
کجا کرتی و دستارت گرو شد
مگر صرف قمار چکه پوشد
یکی بعد دگر افتاده خوشد
پی رشوت چنان در تگ و دوشد
مجلل خانه ای در شهر نو شد
مدیر شعبه در جانم ببوشد
ز پا چون گوسپندی لکه تو شد
به چشم روز روشن مثل شو شد

«اسیر» از گفتن بسیار بگذر

که دیدم گوش مردم ناشنو شد

(کابل عزیز - اسد 1330 ش)